

القاعده در اوگاندا

القاعده در اوگاندا

اوگاندا از نظر اشاعه افکار سلفی گری و وهابیت، همواره از اهمیت کمتری در مقایسه با کنیا و تانزانیا برخوردار بوده است. آغاز فعالیت سازمان القاعده در این کشور به سال 1994 باز می گردد. که در ادامه مطالبی در مورد القاعده و کشور اوگاندا بیان خواهد شد.

القاعده در اوگاندا

هر چند کشور اوگاندا از دوره حکومت عیدی امین با ورود افکار وهابی روبه رو بوده است، در مقایسه با کنیا و تانزانیا کمتر در معرض تمرکز وهابیانی که بعدها به نوعی جاده صاف کن افکار القاعده شدند، قرار داشته است. این امر بیشتر به دلیل ارتباطات گسترده دولت اوگاندا با کشور لیبی است که از طریق سازمان دعوت جهانی اسلامی، به نوعی صادر کننده ایدئولوژی رقیب وهابیت به شمار می رود. [1] از سوی دیگر، از اوایل دهه 1980 عربستان سعودی با تغییر سیاست های دینی خود در قاره آفریقا، سعی کرد در کشورهای بیشتری سرمایه گذاری کند که پتانسیل بالایی برای توسعه مذهب اهل البیت علیهم السلام دارند و در تقسیم بندی مناطق گوناگون این قاره، کشورهای کنیا و تانزانیا از اولویت بیشتری در شرق آفریقا برخوردار بودند. از این رو، هر چند رابطه العالم الاسلامیه طی چند دهه گذشته، دارای دفتری در کامپالا بوده است و مجمع جهانی جوانان مسلمان نیز نماینده ای در این کشور دارد، اوگاندا از نظر اشاعه افکار سلفی گری و وهابیت، همواره از اهمیت کمتری در مقایسه با کنیا و تانزانیا برخوردار بوده است.

در هر صورت، آغاز فعالیت سازمان القاعده در این کشور به سال 1994 باز می گردد. در این سال برخی از نیروهای القاعده مستقر در سومالی، به حمایت از بنیادی سلفی در این کشور پرداختند که به تأسیس سازمان « جنگجویان مجاهدین آزادی» در اوگاندا منجر شد. این سازمان در فرایند تحولات خود در سال های نا آرام نیمه اول دهه 1990 در درون گروه ضد دولتی موسوم به نیروهای متحده دمکراتیک (ADF جای گرفت. [2] سازمان القاعده پس از ساماندهی « نیروهای متحده دمکراتیک» و در ادامه همکاری خود با این سازمان که از کشورهای سودان و کنگو دمکراتیک (شرق کنگو) عملیات خود را علیه دولت انجام می داد، به سامان دهی برخی اردوگاه های آموزشی در این سازمان ضد دولتی پرداخت.

نخستین حملات ADF علیه منافع دولت اوگاندا از سال 1996 آغاز شد و پس از آنکه این سازمان چندی در سکون به سر برد، از اواخر سال 1998 دوباره حملات تروریستی خود را علیه این کشور از سر گرفت که با تاکتیک های متفاوتی همراه بود. در این باره، فرمانده سابق ADF پیش از مرگ خود در مصاحبه با یکی از مطبوعات محلی خاطر نشان ساخت که هدف این سازمان سرنگونی دولت دست نشانده آمریکا در این کشور و تأسیس کشوری اسلامی مبتنی بر شریعت است. وی همچنین اعتراف کرد که جمیل موکولو، رهبر ADF، مدتی در اردوگاه های سازمان القاعده در افغانستان آموزش دیده است. وزیر کشور اوگاندا نیز در سال 2002 با تأکید بر مقابله با حملات تروریستی ADF، این سازمان را به ارتباط با القاعده متهم کرد و مقامات امنیتی

اوگاندا به طور رسمی یاد آور شدند که رهبران اصلی ADF در اردوگاه های طالبان در افغانستان آموزش دیده اند.

سازمان القاعده جدا از تلاش برای تجهیز نیروهای متحده دمکراتیک و اعطای برخی کمک های مالی به آن، اقداماتی را نیز با هدف بی ثبات کردن حاکمیت اوگاندا و حمله به منافع آمریکا در این کشور سازمان دهی کرده است؛ که البته تاکنون نافرجام مانده است.

در این راستا، سازمان جاسوسی آمریکا در سال 1998 اطلاعاتی را در اختیار دولت اوگاندا قرار داد که به دستگیری بیست نفر از مسلمانان مرتبط با وهابیت، به جرم ارتباط با سازمان القاعده منجر شد. دولت اوگاندا پس از دستگیری این افراد، مدعی شد آنها در صدد حمله به سفارت آمریکا در کامپالا بوده اند. نیروهای امنیتی اوگاندا همچنین در سال 2000 ادعا کردند، اسنادی به دست آورده اند که نشان می دهد القاعده در سال 1999 که اوگاندا میزبان برخی رهبران کشورهای آفریقایی بود، تلاش کرده است آقای یوری موسوینی و چند تن از دیگر رهبران آفریقایی را در کامپالا ترور کند. رئیس جمهور اوگاندا در سال 2001 در سخنرانی خود در جمع مسلمانان این کشور به مناسبت فرا رسیدن عید فطر، به طور رسمی اعتراف کرد که بر اساس مدارک ارائه شده از سوی آمریکا، القاعده کشور اوگاندا را هدف قرار داده است و از رهبران مسلمان کشور درخواست کرد، با اتحاد و همدلی خود از نفوذ و رسوخ القاعده به بدنه سازمان های اسلامی اوگاندا جلوگیری کنند. جورج تنت نیز در کتاب خود که مبتنی بر اطلاعات بدست آمده از سازمان جاسوسی مصر بوده است، خاطر نشان کرده است سازمانی موسوم به جماعة الاسلامیة، در نخستین سال های دهه 2000 میلادی با همکاری القاعده، در صدد حمله به منافع ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در اوگاندا بوده است. بر اساس اطلاعات ارائه شده در این کتاب، نیروهای القاعده در سال 2002 چهار کامیون مملو از مواد منفجره را به کامپالا منتقل نموده و قصد داشتند حمله انتحاری سنگینی را علیه سفارت آمریکا در کامپالا ترتیب دهند که نیروهای اطلاعاتی اوگاندا مانع این عملیات شدند.[3]

برخی از تحلیلگران سیاسی معتقدند حضور نیروهای حافظ صلح اوگاندا که از سال 2007 در بخش هایی از سومالی مستقر شده اند نیز ممکن است حملات القاعده علیه اوگاندا را تشدید نماید. بر اساس اطلاعات سازمان سیا، چند تن از رهبران القاعده که در سومالی حضور نمایانی دارند، طی چند سال گذشته به طور علنی نیروهای حافظ صلح اوگاندایی در سومالی را تهدید به حمله کرده اند. علاوه بر آن، سازمان های « نهضت مقاومت مردمی» و « بریگادهای توحید و الجهاد» که در زمره گروه های افراطی اسلامی سومالی با دیدگاه های سلفی می باشند نیز نیروهای اوگاندایی مستقر در سومالی را به حملات انتحاری تهدید کرده اند. در این خصوص، در سال 2009 بمبی بر سر راه سربازان اوگاندایی در سومالی منفجر گشت که به کشته شدن چهار تن از نظامیان اوگاندایی منجر شد. با این حال، تا کنون هیچ یک از گروه های افراطی وابسته به القاعده در سومالی مسئولیت این عملیات را نپذیرفته اند.[4] گروه الشباب، از سازمان های اسلامی تندرو سومالی که با القاعده ارتباط تنگاتنگی دارند، در سال 2010 مسئولیت انفجار دو بمب در کامپالا را بر عهده گرفت. این بمب ها که در دو مکان عمومی محل تجمع مردمی که برای تماشای مسابقات فوتبال جام جهانی گرد هم آمده بودند منفجر شد، موجب کشته شدن 74 نفر و زخمی شدن ده ها تن دیگر گردید. سخنگوی الشباب طی بیانیه ای اعلام کرد این بمب گذاری ها به تلافی حضور نیروهای اوگاندایی در سومالی صورت گرفته است.[5]

بمب گذاری های مزبور، خونین ترین حوادث تروریستی در تاریخ اوگاندا از بدو استقلال تاکنون به شمار می روند و مقامات اوگاندایی پس از حملات تروریستی، سیاست نوینی را در مقابله با

اقدامات القاعه اتخاذ نمودند که نتایج آن در آینده مشخص خواهد شد.

H. Shinn David, Op. Cit, P.20.[2]. Allied Democratic Forces.[3]. Bill Roggio, Op. Cit, .[1]
P.9.[4]. Ibid, p.11.[5]. [http: www. Afran. ir](http://www.Afran.ir)